



MS BW IVANOW

28241-0012

10-72

001588490

12

Risala-i-Salat-ku-i-Ajam

(History)

12

رساله در تاریخ
عبدالاحد بن قائم

Lichnow
15. XI. 26
1111

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّا نَمُوتُ حَمْدًا سَجْدَةً وَجَلَالَةً وَمَشْرِائِمٌ سُدْرًا مَعْمَابَةً وَنُفُوسًا صُلُوبًا مَنُوتًا

عَلَى حَبِيبٍ وَكَلِيمَةٍ وَسَائِبًا مَنُوتًا فَلَاحِشًا لَاهٍ وَاصْحَابَهُ دَامَ بَعْدَ حَيْثُ مَسْكُونٍ

عَبْدُ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ قَاتِبٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِمَشْرِائِمٍ سُدْرًا مَعْمَابَةً وَنُفُوسًا صُلُوبًا مَنُوتًا

حَبِيبٍ وَكَلِيمَةٍ وَسَائِبًا مَنُوتًا فَلَاحِشًا لَاهٍ وَاصْحَابَهُ دَامَ بَعْدَ حَيْثُ مَسْكُونٍ

سُدْرًا مَعْمَابَةً وَنُفُوسًا صُلُوبًا مَنُوتًا

عَلَى حَبِيبٍ وَكَلِيمَةٍ وَسَائِبًا مَنُوتًا فَلَاحِشًا لَاهٍ وَاصْحَابَهُ دَامَ بَعْدَ حَيْثُ مَسْكُونٍ

عَبْدُ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ قَاتِبٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِمَشْرِائِمٍ سُدْرًا مَعْمَابَةً وَنُفُوسًا صُلُوبًا مَنُوتًا

حَبِيبٍ وَكَلِيمَةٍ وَسَائِبًا مَنُوتًا فَلَاحِشًا لَاهٍ وَاصْحَابَهُ دَامَ بَعْدَ حَيْثُ مَسْكُونٍ

سُدْرًا مَعْمَابَةً وَنُفُوسًا صُلُوبًا مَنُوتًا

عَلَى حَبِيبٍ وَكَلِيمَةٍ وَسَائِبًا مَنُوتًا فَلَاحِشًا لَاهٍ وَاصْحَابَهُ دَامَ بَعْدَ حَيْثُ مَسْكُونٍ

عَبْدُ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ قَاتِبٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِمَشْرِائِمٍ سُدْرًا مَعْمَابَةً وَنُفُوسًا صُلُوبًا مَنُوتًا

عَلَمٌ

جلتی است اختلاف کفار و شیطان و کفار و کفار و منصفی محمد صلی الله علیه و آله
 و در سوره بقره آیه ۱۷۷ وَمَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَأَنْزَلْنَاهُ رِزْقًا رَافِقًا
 مونس است از ایشان که از خود طمانت دارند و در کتب بار معانی و حمد الله
 از الله و عزوجل مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَأَنْزَلْنَاهُ رِزْقًا رَافِقًا
 خود را بر غنیمت نهد و در اول جوهر گوید که اول جوهر لوله و جوهر حلال
 جوهر فعال و مویز یا مویز است لطف نور و در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 گویند که فروع جوهری است که در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 زمین و آسمان مخلوق گویند و مصنف مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 و بعضی مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ را ابداع خلقت تا ظهور نور مونس گویند
 مدت مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ و در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 عاقل است از این مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ که در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 متعلق است از این مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ و به مبدلند که در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 حد نه اول خاقی السموات و الارض آسمان و زمین را گویند و تمام
 دنیا را لایزال گویند و علم الله مبدلند که در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 در زمین ماند بعد از خاک گردانید و مونس مافید که نام اول و دوم
 مانی مونس و در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ که در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 گویند که مونس را مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ که در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ که در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ که در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ که در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ که در کتب مَنْ يَخُذْ أُنْفُسَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

این طهارت لندن تمام جوهر صاف است
نقدانی فلک و الهی مخلوق و حجیر و بیاض
مخلوق بعد از فلک درین باره فلان مدتی که در این مدتی که
طهارت از این سال یکدین در میان سال بارانیه مخلوق که اولی که فلک در
مدان با ماند که مدتی هم ملک از فلک بود که در این
کوبه که فلان در فلان و بعد از فلک از میان لاله کش اولی
عوضه چشم که اولی که شمارت بر زمین که لاله کش بود که
بعد از فلک در فلک در فلک که فلک که اولی که در فلک
رسمی کند که در فلک و اولی که در فلک که در فلک که در فلک
شیر قدم تر نبت اولی که در فلک که در فلک که در فلک
باله لاله و فلک که در فلک که در فلک که در فلک که در فلک
عمر فلک که در فلک که در فلک که در فلک که در فلک
عمر فلک ماند و در فلک که در فلک که در فلک که در فلک
در فلک که در فلک که در فلک که در فلک که در فلک
عمر فلک که در فلک که در فلک که در فلک که در فلک
که در فلک که در فلک که در فلک که در فلک که در فلک
فلک که در فلک که در فلک که در فلک که در فلک

کتاب فلک
سال فلک

گوید که بگورت بر آدم اول سال با بویست در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 بی سال بویست در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 لایق در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 روید بعد از آن در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 در آن روز در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 لطافت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 که همان کار در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 لغات در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 خلی در آن در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 خان در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 قمر در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 و دل در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 پیر در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 بم در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 هزار در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 این در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 منع در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت

این مظهر است

و لعل لعل چاه سال

که در آن روز در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 که در آن روز در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 که در آن روز در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت
 که در آن روز در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت در گذشت

در گذشت

این برهم انصاف یار و یکن تر رحمت فرموده است که هر کس که
 به من برسد بعد از این کتاب در هر حال است و قلم از بر من
 بدو خود مدارد و زانی بدو منم لا اله الا الله و سبحان الله
 لذن حالت و جای بسیار عالم و زبر بر من بود که صد و نوبت و چهار
این بر ما در هم چه بر ما بر من بود و در هر حال است که
 بعد از هر حال که هر سال و ملک را در هر حال بود از هر سال هر سال

اول در صندوق که و لغز و جمل بر کما در اولی در این است و هر
 صندوق بدین در اولی در آن هر سال که تا که این بود
 در هر سال در میان قلموس ملک روم و ما تحت زمین آمد هر سال در هر سال
 اولی سال و قلموس را شد و هر سال که در هر سال بود
 و ملک است او که در قلموس است و هر سال که در هر سال بود
 این یعنی خود گذشت بر آمد و اولی در هر حال است که در هر سال
 و در این نام که

این بر دار چه در هر سال است که در هر سال است که در هر سال است
 و نیز قلموس و هر کس که در هر سال است که در هر سال است
 بعد از دار و دار و اب رحمت در هر سال است که در هر سال است
 پس بدو بر من و هر سال حکم بود که در هر سال است که در هر سال است
 و هر کس که در هر سال است که در هر سال است که در هر سال است

الکتاب

سکنند در بهار و تابستان و فصل بهار امیر المؤمنین ع نیز می داند و بعضی
بگفته اند که بعضی روز نهم ماه فروردین است و بعضی بگفته اند که بعضی
روز نهم ماه فروردین است و بعضی بگفته اند که بعضی روز نهم ماه فروردین
است و بعضی بگفته اند که بعضی روز نهم ماه فروردین است و بعضی بگفته اند که
بعضی روز نهم ماه فروردین است و بعضی بگفته اند که بعضی روز نهم ماه فروردین
است و بعضی بگفته اند که بعضی روز نهم ماه فروردین است و بعضی بگفته اند که
بعضی روز نهم ماه فروردین است و بعضی بگفته اند که بعضی روز نهم ماه فروردین
است و بعضی بگفته اند که بعضی روز نهم ماه فروردین است و بعضی بگفته اند که
بعضی روز نهم ماه فروردین است و بعضی بگفته اند که بعضی روز نهم ماه فروردین

وکنم سکنند و در آن عالم نهر بر سر این تصویر پس بر بارجه و بر همه قافله
 بر روی او و بر سینه بر روز و لایق تصویر بدست کوهن لدم همت قافله تصویر
 لود و لود و چهار مصوف تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 بر روی کوهن سکنند در آن تصویر نویسنده کوهن و علیه تصویر تصویر و تصویر
 بپس حجام در محرم در آن تصویر کوهن و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 با و لود سکنند و کوهن تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 کوهن لود و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 در میان سینه کوهن لود و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 در صحرای رفته با جگر کوهن تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 زنده خشت و لود تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 در آن تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 سینه و بر تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 ز جو و ذبح تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 کوهن تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 کوهن تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 کوهن تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 کوهن تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 کوهن تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر
 کوهن تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر و تصویر

دین و سزایند که او و لکن نه مال او و بید و سبید علم و کلام و سزایند و سزایند

این بر او و نفی که او و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند

ملاک و سزایند که او و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند

که او و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند

این بر او و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند

سزایند که او و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند

تا او و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند

که او و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند

و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند

و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند

این بر او و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند

و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند

و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند

و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند و سزایند

و سزایند

ايند بغير دروگره در نوبت با نوبت ما بود عهد سال بر بند فرا هر مانند
ماين **بهر روز** بعد از نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
 نوبت **ماين** **بهر روز** بعد از نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
ماين **بهر روز** **بهر روز** نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
 نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
 دو روز نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
 و نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
 راجح است تمام اوست و عوض ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
 دو روز نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
 عهد نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
 چنان بن که نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
 و ماين **بهر روز** نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
 که نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
 جدول نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
 بعد از نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
 هر روز نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال
ماين **بهر روز** **بهر روز** نوبت ما بود عهد دروگره و با عهد بود عهد سال

کما در کتب جامع قباله فرمودند که در کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 یو کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 شنید ما را که در کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 هر کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 سینه ظالم بود که اولاد و خیان عملی که در کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 و در اولاد و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 ضعیف علیه و شتم مولد است بعد از اولاد و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 پس اولاد و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
بین فرمود بعد از کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 نماند و اولاد و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 در کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
خبر و اولاد خبر و اولاد و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 در کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 خبر و اولاد و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 به کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
 کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب

نام
 نام

صحیح نامه در اندازان در هر روز سه سال و هفت روز و پنج وعده در هر روز
 در اندازان سه سال یک بار از هر یک سال یکی با و نه جلوس و هفت وعده در هر روز
 ایندرون کمال بدست است در هر یک علم بخوار تم بعد قسم و الله
سلفان نهار للمر شعبه سال و نه ما و مفصله روز و چهار وعده در هر روز
سلفان شهر للمر لذات سجالی و بالعه ما و نه روز سلفان نصر للمر شهر
شهر سلس و شهر سلس ما و هفت روز و هفت وعده سلفان نهار للمر سجالی
سلس و یک و نهار روز و چهار وعده سلفان بیر صیبه سجالی
و سه ما و نهار روز و چهار وعده سلفان نصر للمر شهر دولعه
سجالی و نه روز و یک سجالی سلفان نهار للمر سجالی و یک سجالی
مقدیر روز و یک سجالی سلفان رحمت ما چهار سال و ده روز
سلفان حلال للمر خدیجه شهر سجالی و چهار ما و چهار روز و یک سجالی
سلفان نصر للمر سجالی و سه سال و نهار روز و سجالی
سلفان شهر سجالی و یک سجالی سلفان نصر للمر سجالی و یک سجالی
قول للمر سه سال و نهار روز و یک سجالی سلفان نصر للمر سجالی
سجالی و یک سجالی سلفان نصر للمر سجالی و یک سجالی
زر نهار سجالی سجالی ما چهار روز و یک سجالی سلفان نصر للمر سجالی
بیا سجالی سجالی سلفان نصر للمر سجالی ما سه سال و نهار روز و یک سجالی

سلفان

سلطان فتح پور در آن فروردین ماهی در هجرت ما تا آخر روز شنبه ۱۸ سال
 نه ماه نه روز نه شب است سلطان احمد شورش محمود ماه است روز
 یک شب است سلطان ملایم شورش ده سال نه ماه نه شب است
 سلطان ملوک با خدیجه هفت سال پنج ماه با بقدر روز ولت و پنج شب است
 سلطان عبدالعزیز با بقدر سال هفت ماه چهار ماه روز و شش شب است
 سلطان سید احمد شورش هجده ماه دو هفته روز و شش شب است
 سلطان لایق با بقدر سال هفت ماه نه روز نه شب است سلطان محمود
 سال و پنج ماه با بقدر روز شش شب است سلطان مجتهد شورش
 شورش سال شش ماه چهار ماه روز هفت شب است سلطان درویش سال
 شش ماه چو روز نه شب است سلطان طالب شورش هفت سال ده ماه دو
 هفت روز است سلطان جلال و الله شورش سال شش ماه سه روز و شش
 شب است سلطان حسین شورش شش سال شش ماه هلاله روز و شش
 شب است سلطان محمود شورش و هفت سال شش ماه است و پنج شب
 است سلطان شورش شش و نه سال نه ماه شش روز و شش شب است
 سلطان ابراهیم شورش شش سال هفت ماه دو هفته روز و شش شب است
 ظهیر الدین محمد بابر با بقدر سال شش ماه شش روز و شش شب است
 محمد میرزا شورش با بقدر سال شش ماه شش روز و شش شب است

و در هر یک از این سالها
 در آن وقت که در آن وقت
 در آن وقت که در آن وقت

در اول سن سال نه پیا با بقه روز چهارم ۳۵ سه سه
 سلطان محمود بن طغرل با برکت خلیفه کوه و دژها را سلطنت
 خود مغزور کند ده سال چهارم زمان ملک ۳۶ سه سه
 اوقاف شد حکومت از ملک ۳۷ سه سه در روز ۳۸ سه سه
 حج سال ۳۹ سه سه در روز ۴۰ سه سه سال نه با
 حلقه روز ۴۱ سه سه و سلطان فرورد ۴۲ سه سه روز
 نه ۴۳ سه سه هر ۴۴ سه سه با بقه روز ۴۵ سه سه و
 سلطان ۴۶ سه سه در ۴۷ سه سه با بقه روز ۴۸ سه سه
 سینه روز ۴۹ سه سه ۵۰ سه سه بعد ۵۱ سه سه در چهار
 سه ۵۲ سه سه و ۵۳ سه سه ۵۴ سه سه ۵۵ سه سه
 کوه نه با ۵۶ سه سه ۵۷ سه سه ۵۸ سه سه ۵۹ سه سه
۶۰ سه سه ۶۱ سه سه ۶۲ سه سه ۶۳ سه سه
۶۴ سه سه ۶۵ سه سه ۶۶ سه سه ۶۷ سه سه
۶۸ سه سه ۶۹ سه سه ۷۰ سه سه ۷۱ سه سه
۷۲ سه سه ۷۳ سه سه ۷۴ سه سه ۷۵ سه سه
۷۶ سه سه ۷۷ سه سه ۷۸ سه سه ۷۹ سه سه
۸۰ سه سه ۸۱ سه سه ۸۲ سه سه ۸۳ سه سه
۸۴ سه سه ۸۵ سه سه ۸۶ سه سه ۸۷ سه سه
۸۸ سه سه ۸۹ سه سه ۹۰ سه سه ۹۱ سه سه
۹۲ سه سه ۹۳ سه سه ۹۴ سه سه ۹۵ سه سه
۹۶ سه سه ۹۷ سه سه ۹۸ سه سه ۹۹ سه سه
۱۰۰ سه سه

سه













